

Research Paper

The causes of inefficiency of councils in small cities and its consequences in not realizing sustainable urban development

Mahboob Reyhan Kalvanaq¹, Mohsen Ahadnejad^{2*}, Mohammad Taghi Heydari³, Mortaza shahbazi⁴

¹ PhD student of geography and urban planning, Zanjan University, Iran

² Associate Professor, Department of Geography and Urban Planning, Zanjan University, Iran

³ Associate Professor, Department of Geography and Urban Planning, Zanjan University, Iran

⁴ M.S.c of urban planning, Urmia University, Iran.

Keywords

ineffective, Council, consequence, sustainable development

ABSTRACT

The lack of specialized forces in urban affairs in the Islamic councils, including in the city of Kalvanagh, is a fact that has perfect the way for the weakening of the councils. Some of the councils have not even had a day's experience in the field of urban management. Therefore, it is not possible to expect that city managers, delegate of city affairs of those who basically have no experience in the field of city management. according to the purpose of the research, the qualitative research method (grounded theory which includes three types of open, central and selective coding) has been used. In this connection, in order to collect data for two groups, data was collected in two stages.

In the first stage, the interview method and questionnaire were used for the group of citizens (n=196) and then the grounded theory was used to analyze the data collected from the questionnaire and the results from the interview. In the second stage of the research, data was collected using the method of interviewing experts (n=20) and for analyzing the data of this stage, the coding technique of grounded theory was used. The results of the analysis of the findings in both groups of citizens and experts show that the main attention of the activity of the city council of kalvanagh in field of physicals district of the city, such as the asphaltting of roads, which is more visible to the citizens, and in other districts, such as the economic, environmental, and social fields. And ... It has not been efficient. Therefore, it is suggested that the performance of the council can be increased by teaching some specific knowledge, attitudes and skills to the members of the city council.

*Corresponding Author.

Email Adresses: ahadnejad@znu.ac.ir

To cite this article:

reyhan, M., ahadnejad, M., heydari, T., & shahbazi, M. (2023). The causes of inefficiency of councils in small cities and its consequences in not realizing sustainable urban development. *Human Ecology*, 2(4), 333-344.



Doi: [10.22034/el.2024.415650.1015](https://doi.org/10.22034/el.2024.415650.1015)

علل ناکارآمدی نهاد شوراهای کوچک اندام و پیامدهای آن در عدم تحقق توسعه پایدار شهری

محبوب ریحان کلوانقی^۱؛ محسن احدنژاد^۲؛ محمد تقی حیدری^۳؛ مرتضی شهبازی^۴

^۱ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه زنجان . زنجان . ایران

^۲ دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه زنجان . زنجان . ایران و نویسنده مسئول

^۳ دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه زنجان . زنجان . ایران

^۴ کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری دانشگاه اورمیه

واژگان کلیدی

ناکارآمدی، شورا، پیامد، توسعه پایدار، کلوانقی

چکیده

فقدان نیروهای متخصص در امور شهری در شوراهای اسلامی از جمله در شهر کلوانقی مواردی است که عملاً مسیر تضعیف شوراهای هموار کرده است. برخی از اعضای شوراهای حتی یک روز سابقه فعالیت در زمینه مدیریت شهری نداشته اند. بنابراین، نمی توان انتظار داشت که مدیران شهری با تجربه با تخصص وسیع و طولانی، سررشته امور شهری را به دست کسانی بسپارند که اساساً سابقه ای در زمینه مدیریت شهری ندارند یکی دیگر از چالش های شوراهای آموزش اعضای شورا برای انجام مؤثر وظایف و دستیابی به اهداف شوراهاست. تحقیق حاضر با توجه به هدف پژوهش، از لحاظ روش شناسی در زمره تحقیقات کیفی قرار دارد. در این راستا، از تئوری داده بنیاد (که مشتمل بر سه نوع کد گذاری باز، محوری و انتخابی می باشد) استفاده شده است. به منظور گردآوری داده برای دو گروه در دو مرحله اقدام به جمع آوری داده شد. در مرحله اول برای گروه شهروندان (n=196) از روش مصاحبه و پرسشنامه استفاده شد. سپس به منظور تحلیل داده های جمع آوری شده حاصل از پرسش نامه و نتایج مصاحبه، تئوری داده بنیاد مورد استفاده قرار گرفت. در مرحله دوم پژوهش نیز با استفاده از روش مصاحبه از خبرگان (n=20)، به جمع آوری داده پرداخته شد. برای تحلیل داده های این مرحله نیز، تئوری داده بنیاد به کار رفته است. نتایج تحلیل یافته ها در هر دو گروه شهروندان و کارشناسان نشان می دهد که عمده توجه فعالیت شورای شهر کلوانقی به حوزه عمرانی شهر نظیر آسفالت ریزی معابر که نمود بیشتری نزد شهروندان دارد جلب شده و در حوزه های دیگر نظیر حوزه اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و ... کارآمد نبوده است. لذا پیشنهاد می شود با آموزش برخی دانش ها، نگرش ها و مهارت های خاص به اعضای شورای شهر می توان عملکرد شورا را افزایش داد.

۱. مقدمه

آنچه طی سال های اخیر در محافل علمی و نهادهای رسمی مطرح شده، موضوع پایداری در قالب های توسعه پایدار شهری و شهر پایدار است. واژه توسعه در اصطلاح توسعه پایداری شهری فرایندی را تداعی می کند که به وسیله آن می توان به پایداری دست یافت (Maclaren, 1996) به نقل از عزیزی، ۱۳۸۰: ۱۲).

در شهرها مفاهیم پایداری و توسعه پایدار شهری بر پایه طرفداری از سه منطق بوم شناسی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و تقابل این سه منطق شکل گرفته است. بدیهی است که توسعه پایدار شهری بدون سرمایه گذاری های کلان، آموزش های فرهنگی، شناخت درست مسایل شهر توسط مسئولان مرتبط، برنامه ریزی دقیق و مدیریت مشخص و مشارکت های مردمی و غیره به دست نخواهد آمد (صالحی فرد، ۱۳۸۳: ۱۲) نقل مفهوم از مهدی پور و مهدی پور (۱۴۰۱: ۱۴). مدیریت مناسب و برنامه ریزی استراتژیک منعطف و مشارکتی گامی موثر در رسیدن به توسعه پایدار شهری خواهد بود. توسعه پایدار شهری به نظر پیتر هال شکلی از توسعه امروزی است که می تواند توسعه مداوم شهرها و جوامع شهری نسل های آینده را تضمین کند (Hall, 1990:161).

توسعه پایدار شهری، یعنی فرایندی در ایجاد شهر پایدار، یعنی شهری مناسب زندگی حال و آینده شهروندان. به عبارت دیگر، توسعه پایدار شهری یعنی تلاش برای ارتقا زندگی شهری در ابعاد بوم شناختی، فرهنگی، سیاسی، نهادی، اجتماعی و اقتصادی، بدون تحمیل هزینه های ناشی از کاهش سرمایه طبیعی و مشکلات محلی. توسعه پایدار شهری یعنی توسعه ای که شهر را از نظر تغییرات کالبدی قابل سکونت، از نظر اقتصادی بادوام و از نظر اجتماعی همبسته نگه دارد (صالحی و همکاران، ۱۳۸۷: ۸). پایداری شهری به شرایط شهری مطلوب و بادوام که اغلب با مسایلی مانند استفاده مناسب از منابع به منظور تضمین حقوق نسل حال و آینده، حفاظت از محیط زیست و حداقل استفاده از منابع تجدیدناپذیر همراه است، توصیف می شود. شهرهای پایدار زیست محیطی به احتمال زیاد سازنده تر، رقابتی تر، نوآورانه تر و شکوفاتر هستند، که منجر به افزایش کیفیت زندگی و رفاه شهروندان میگردد (Karasu et al, 2018: 27).

بانک جهانی، ارتقای کیفیت زیست و توسعه شهری پایدار را در گرو شرایطی می داند که یکی از این شرایط، قابل زیست بودن است. از حداقل معیارهای یک شهر پایدار و اکولوژیک، تامین محیط زیست سالم، امنیت اجتماعی، رفاه، مشارکت مردمی در فرایندهای تصمیم سازی برای همه شهروندان، فرصتهای شغلی و نظایر آن است. توسعه پایدار به فعالیت دسته جمعی که بطور همه جانبه با جامعه دموکراتیک یکی می باشد، نیاز دارد. توسعه پایدار بستگی به مشروعیت قانونی و اعتمادی دارد که هویت دولت را متوجه هدف حقوق شهروندی که هر فرد را قادر به مشارکت در جامعه شهروندی می داند، می کند (نیک شیجانی و همکاران، ۱۳۹۵؛ شربتی، ۱۳۹۵؛ علوی تبار، ۱۳۸۲).

امروزه توسعه پایدار شهری به کانون تمامی مباحث مدیران و مسئولان و اندیشمندان حوزه های مختلف شهری جهت ایجاد و ارتقاء شهرهایی با کیفیت بالای زندگی تبدیل شده است. بررسی ها در سطح بین المللی نشان می دهد که مولفه های کلیدی در جهت دستیابی به چنین توسعه ای درگیر ساختن شهروندان در مسائل و مشکلات حوزه های مختلف می باشد. چرا که جوهره مفهوم مشارکت در مدیریت شهری خلق و اداره فضاهایی هر چند مطلوب تر و پایدارتر برای ساکنین شهر است و در نظریه های رایج جهانی امروز نیز یکی از اصلی ترین و مقبول تری راهبردها برای نیل به حداکثر مطلوبیت و پایداری مشارکت می باشد که از آن جمله می توان به حکمروایی خوب اشاره کرد که اولین ویژگی آن، مشارکت است (نیک شیجانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۷؛ میکاییلی نمینی، ۱۳۹۲: ۱۱۲). از جمله موضوعات عمده در راستای توسعه پایدار، مقوله مشارکت مردم در فرایند برنامه ریزی است. در سال ۱۹۶۸ در بریتانیا مردم در فرایند برنامه ریزی و در مقیاس محدود مشارکت داده شدند و بر اساس قانون از مردم خواسته شد تا در طرح های مربوط به خود، عکس العمل نشان دهند در این راستا بجای تامین مستقیم خدمات از طریق دولت، تجهیز مردم برای تامین خدمات مد نظر قرار گرفت و مردم می توانستند در بسیاری از جنبه ها مشارکت نمایند (نیک شیجانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۵؛ علوی تبار، ۱۳۸۲: ۳۲).

چیزی که برای توسعه پایدار اساسی است مشارکت عمومی فعال در تصمیماتی است که بر محیط زیست تاثیر می گذارد. مشارکت مردمی در برنامه ریزی و مدیریت محیط زیست در سطح محلی، برزن، ناحیه یا محله بیشترین تاثیرگذاری را دارد. در این مقیاس از برنامه ریزی است که ساکنان محلی از بیشترین آگاهی و قابلیت برخوردارند. در واقع مشارکت یکی از مفاهیم کلیدی در توسعه پایدار است (نیک شیجانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۵؛ شربتی، ۱۳۹۵: ۱۶۸).

کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد محیط زیست و توسعه که در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو برزیل برگزار شد، از بسیاری جهات مهم است؛ یکی از پنج سند بین المللی تصویب شده در این کنفرانس، بر توسعه پایدار تمرکز دارد. از آنجایی که بسیاری از مشکلات و راه حل های مطرح شده در دستور کار ۲۱ ریشه در فعالیت های محلی دارد، مشارکت و همکاری دولت های محلی (شوراها) عامل تعیین کننده ای در دستیابی به اهداف خواهد بود (Şahyar Akdemir, 2020: 157؛ Bilgili, 2022: 62).

در این سند «توسعه پایدار» به عنوان اصل اساسی پذیرفته شده است. برای این منظور «دستور کار ۲۱»؛ بر اهمیت مشارکت بازیگران غیردولتی (سازمان‌های بخش خصوصی، سازمان‌های غیردولتی، شهروندان و غیره) در مدیریت و در فرآیند اجرای توسعه پایدار تأکید می‌کند (Domaradzka, 2018:614).

در بحث برنامه ریزی، توسعه شهری، اهداف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی را در راس سیاست‌های خود قرار داده است و در واقع تحقق این اهداف، نیازمند تعامل و همکاری بین مردم با دولت است. حضور و مشارکت مردم در امر توسعه پایدار ضروری و اجتناب ناپذیر است. در واقع هر چند که مشارکت بر معنای همکاری و همیاری در ایران سابقه دیرینه دارد، ولی هنوز در جامعه ما نهادینه نشده است. و تشکیل شورای شهر و نمایندگان مردم از جمله اقداماتی است که ضرورت مشارکت مردم را در امور شهری با محوریت توسعه پایدار جهت رفع مشکلات عدیده ی شهر، را آشکار می‌سازد. با مطالعه تجربیات اکثر کشورهای جهان در زمینه مشارکت شهروندان در امور شهری و تأثیر این مشارکت بر توسعه پایدار شهری را می‌توان از ضروریات توسعه پایدار شهری دانست (نیک شیجانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲). اصل یکصدم قانون اساسی مقرر می‌دارد که برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی - اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا و شهری با نظارت شورایی به نام شورای روستا و شهر صورت گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند؛ بر این اساس می‌بایست بمنظور جلب مشارکت، همکاری و نظارت مردم برنامه‌هایی از سوی سازمانهای استانی تدوین گردد (قربانی، ۱۳۷۰: ۳۳ به نقل از اکبریان، ۱۳۹۲). در این تفکر، حضور مداوم مردم در پذیرش مسئولیت‌های مهم اجرایی کشور از ضروریات تلقی می‌شود. اهتمام به مسئله مشارکت شهروندان در واقع احترام به نظر تک تک افراد از پایین‌ترین تا بالاترین سطح تصمیم‌گیری است (حسینی، ۱۳۹۰: ۳۲ به نقل از ناصری، ۱۳۹۱).

در سال‌های اخیر، مطالعات و شیوه‌های زیادی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در رابطه با مشارکت شهروندان در فرآیند تصمیم‌گیری عمومی به طور فزاینده‌ای توسعه یافته و همچنان ادامه دارد. در این زمینه یکی از حوزه‌هایی که موضوع مشارکت بیشتر در دستور کار قرار دارد، دولت‌های محلی یا همان نهادشوراهاست. اولین دلیل این امر این است که نهاد شورایی نزدیک‌ترین واحدهای خدماتی به شهروندان هستند. بنابراین می‌توان ارتباط آسانتر و قوی‌تری بین شهروندان و مدیران برقرار کرد. علاوه بر این، شوراها با درک بهتر نیازهای منطقه می‌توانند راه حل‌های عملی‌تری برای راه حل‌های روزانه و سریع منطقه و ساکنان آن ارائه دهند. (İtibar & Yilmaz, 2018:124). شورای شهر تشکیلاتی است مبتنی بر توسعه آگاهی شهروندی، حمایت از حقوق و قوانین شهر و دموکراسی مشارکتی، با درک مشارکت بین دولت مرکزی، دولت محلی، سازمان‌های حرفه‌ای که نهادهای عمومی و جامعه مدنی هستند. اگرچه ساختار و روش کار شورای شهر از شهری به شهر دیگر متفاوت است، اما با گرد هم آوردن همه ذینفعان شهر به مدیریت شهری کمک می‌کند و کمک شایانی به توسعه شهر می‌کند. در ماده ۷۶ قانون شهرداری شماره ۵۳۹۳ (کشور ترکیه) از جمله وظایف شورای شهر می‌توان به توسعه بینش و آگاهی شهروندی، حمایت از حقوق و قوانین شهر، توسعه پایدار، آگاهی زیست محیطی، کمک‌های اجتماعی و همبستگی اشاره کرد (ÇELİK, 2013:218).

شوراها در اغلب جوامع دموکراتیک این حق را برای شهروندان خود قائلند که آگاه شوند، مورد مشورت قرار گیرند و در شرایطی که برای آنان فراهم شده است عقاید خود را درباره موضوعاتی که زندگی آن‌ها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، بیان کنند (پاپلی یزدی، ۱۳۸۲ به نقل از سالاری و صفوی، ۱۳۹۶: ۸). طبق قانون اساسی و قانون شورای اسلامی، نقش اصلی در حکمرانی شهری بر عهده شورای اسلامی شهر است که نمایندگانش از طرف مردم انتخاب شده‌اند (شاکری و فدایی، ۱۳۹۳: ۱۳). شوراهای شهر مدافع برقراری اعتدال در شرایط زیست شهری هستند. آنان برگزیده اقشار مختلف شهر هستند که باید بر نیک بختی مردم، رفع نیازمندی‌های آنان و گسترش زمینه‌های رشد و تعالی شهر بیندیشند (شیعه، ۱۳۸۳: ۹۷).

هنگامی که محمدخاتمی رئیس‌جمهوری وقت در سال ۱۳۷۷ فرمان تشکیل شوراهای اسلامی (جرای اصل یکصدم قانون اساسی) را در کشور صادر کرد، چالش‌های پیش روی آن قابل پیش‌بینی نبود. هرچند نمی‌توان با قاطعیت ادعا کرد که رئیس‌جمهور وقت کشور با چه اهداف و دیدگاه‌هایی به این جمع بندی رسیده بود که سریعاً دستور انتخابات و تشکیل شوراها را بدهد، اما گذشت زمان این نکته را به اثبات رساند که تاکتیک راه بی‌انداز، جا بیانداز که در کشور امری عادی شده است، در مورد شوراها موثر واقع نشد؛ زیرا، شوراهای اسلامی علی‌رغم برخورداری از موقعیت و حمایت قانونی نه تنها هنوز قادر به یافتن جایگاه و موقعیت خود نشده‌اند، بلکه به نظر می‌رسد به تدریج به مجموعه‌ای از شوراهای «مشورتی» تبدیل شده‌اند تا شوراهای «نظارتی» یا «تصویبی» (ایمانی، ۱۳۹۱: ۱۳۷). از سوی دیگر فقدان نیروهای متخصص در امور شهری در شوراهای اسلامی از جمله مواردی است که عملاً مسیر تضعیف شوراها را هموار کرده. برخی از اعضای شوراها حتی یک روز سابقه فعالیت در زمینه مدیریت شهری نداشته‌اند. بنابراین، چگونه می‌توان انتظار داشت که

مدیران شهری با تجربه و تخصص وسیع و طولانی، سررشته امور شهری را به دست کسانی بسپارند که اساساً سابقه ای در زمینه مدیریت شهری ندارند.

نبود یا ضعف سنتهای دموکراتیک که مشوق عمل جمعی و تصمیم گیری مشترک باشند از عواملی است که فقدان نهادینگی شورا را موجب می شود. ضعف تجربه عمل جمعی دموکراتیک موجب شده تا بخش قابل توجهی از فعالیت شورا مصروف مباحث و مناقشات میان اعضا شود. این مباحث عموماً فاقد ماهیت فنی و برنامه ریزی هستند و در نتیجه در عملکرد شورا تأثیر منفی می گذارند. یکی از مهم ترین عوامل سرمایه اجتماعی است. این سرمایه در دو شکل درونی و بیرونی بر شوراهای مؤثر است. در شکل درونی، وجود سرمایه اجتماعی خود را در قالب اعتماد میان اعضای شورا نشان می دهد. وجود این اعتماد موجب می شود تا جریان تصمیم گیری و اجماع با هزینه و زمان کمتری صورت گیرد. در شوراهایی که اعتماد درون گروهی زیادی دارند، می توان انتظار کمترین تنش های درون گروهی را داشت. در مقابل، آن دسته از شوراهای که با مسئله بی اعتمادی و بدبینی اعضا با یکدیگر مواجه هستند، با مسئله تنش درون گروهی و وجود فضای بدگمانی مواجه خواهند بود (نیک شیجانی و همکاران، ۱۳۹۵؛ سلیمانی و زیاری، ۱۳۹۵).

یکی دیگر از چالش های شوراهای آموزش اعضای شورا برای انجام مؤثر وظایف و دستیابی به اهداف شوراهاست. یک نکته مورد پذیرش همگان این است که با آموزش برخی دانش ها، نگرش ها و مهارت های خاص به اعضای شورای شهر می توان عملکرد شورا را افزایش داد. حال پرسش اینجاست که چرا شوراهای به موفقیت هایی که انتظار می رفت دست نیافته اند؟ و اینکه: آیا اساساً شوراهای با ساختار سیاسی کشور همسازی و هماهنگی دارند؟ و مهم تر اینکه، شوراهای برای پاسخ به چه نیازهای اجتماعی و ایفای کدام نقش های سیاسی ظهور یافتند.

این نکته را نیز باید افزود که یکی از اهداف توجه قانون اساسی به شوراهای اسلامی واگذاری امور مردم به خودشان است. نخست باید اظهار داشت که این امر بدون ارائه آموزش لازم به مردم و آماده ساختن آنان در مدیریت شهری امکان پذیر نیست. به عبارت دیگر، تا ساز و کارهای واگذاری امور به مردم فراهم نشود، وارد کردن آنان در صحنه های مدیریت شهری نقض غرض و مخالف با هدف شوراهای و روح قانون اساسی است. نکته دوم اینکه، با وجود مدیران متخصص در حوزه مدیریت شهری که امری تخصصی است، نیازی به مشارکت مستقیم مردم در امر مدیریت نیست. مهم ترین کاری که مردم می توانند انجام دهند، حمایت و نیز راهنمایی مدیران شهری و همکاری با آنان در خدمات و مدیریت شهری است و نکته سوم اینکه حضور مردم در صحنه و نیز مشارکت در مدیریت و خدمات شهری الزاماً با تشکیل شوراهای اسلامی با روش «تصویبی» و یا «نظارتی» تحقق نمی یابد (عباس زاده، ۱۳۹۰: ۱۳؛ ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۱: ۷؛ عدالت نمین، ۱۳۹۳: ۱۱).

از سویی دیگر، چند درصد از اعضای شوراهای اسلامی در شهرهای کشورمان ایران با مدیریت شهری آشنایی دارند؟ شوراهای اسلامی تا چه اندازه موفق به برقراری ارتباط با مردم شده اند؟ برای مثال؛ آیا مردم برای مسائل خود و حل مشکلات موجودشان به شهرداری ها مراجعه می کنند یا به شوراهای شهر؟ و نکته مهم دیگر اینکه، اعضای شوراهای اسلامی تا کنون به چه میزان گزارش کار خود را برای مردم ارائه کرده اند.

به نظر می رسد فقدان موارد فوق در شوراهای اسلامی، کافی است که شوراهای را از عاملیت و کارایی انداخته و ناقوس پایان عمر آن را به صدا درآورد. اما، این نکته را نیز باید در نظر داشت که عوامل فوق تنها دلایل ناکارآمدی شوراهای هستند. علت های دیگری نیز وجود دارد که اساساً شوراهای را به لحاظ هویت و هدف با پرسش های جدی مواجه کرده اند. برخی از این علت ها به این شرح هستند:

شوراهای اسلامی اقتباسی ناقص از شوراهای شهر در کشورهای غربی از جمله کشورهای اروپایی هستند که با افزودن پسوند اسلامی در مسیر بومی شدن قرار گرفتند. اما، این نکته مورد توجه قرار نگرفته است که شوراهای شهر در کشورهای غربی براساس نیازهای جامعه شکل گرفته اند. درحالی که در ایران، هیچ گونه نیاز روشنی به وجود شوراهای نبوده است؛ زیرا، ابتدا نهاد شوراهای شکل گرفت و سپس سعی شد که نیازهای لازم به وجود آید! نکته دیگر اینکه، شوراهای در بستر تحولات سیاسی و نیز در قالب نظام سیاسی در کشورهای غربی شکل گرفت. در حالی که، این امر در ایران اتفاق نیفتاده است (عباس زاده، ۱۳۹۰: ۱۴؛ ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۱: ۹؛ عدالت نمین، ۱۳۹۳: ۱۱).

با مطالعه موارد فوق می توان دریافت که این موارد از ناکارآمدی نهاد شورا، تقریباً دامنگیر تمامی شهرهای کشور، اعم از بزرگ و کوچک، کوهپایه ای و کوهستانی، جلگه ای و دشتی و .. می باشد. حال این تحقیق در پی ریشه یابی علل ناکارآمدی نهاد شوراهای اسلامی در شهرهای کوچک اندام (نظیر شهر کلوانق) جهت گیری شده است و در پی کاوش این سوال مهم است که چگونه می توان با ریشه یابی این کاستی ها می توان تا حد ممکن آنها را به حداقل رساند.

۲. مواد و روش ها

۱-۲. روش پژوهش

در زمینه شناسایی علل ناکارآمدی نهاد شورا در شهرهای کوچک اندام (نمونه موردی: شهر کلوانق) در هر دو گروه شهروندان و کارشناسان از روش تحقیق کیفی از نوع نظریه زمینه ای (تئوری داده بنیاد) بهره گیری شده است. گردآوری اطلاعات بصورت مصاحبه ای از نوع عمیق و نیمه ساختار یافته برای کارشناسان و نیمه ساختار یافته و پرسش نامه برای شهروندان انجام شده است. انتخاب نمونه های مورد مصاحبه بصورت هدفمند (غیر تصادفی) از مطلعین و متخصصین موضوع مورد بحث به روش گلوله برفی (زنجیره ای) گزینش شده است. معیار تعیین حجم نمونه در این بخش از پژوهش، اشباع نظری میباشد. اشباع نظری نقطه ای از گردآوری داده ها است و زمانی رخ میدهد که محقق داده ها را از چند مشارکت کننده جمع آوری میکند. و داده های دریافتی از مشارکت کنندگان جدید، کدهای قابل توجهی را به مضامین در حال توسعه اضافه نمیکند. (Aspers & Corte, 2019; Strauss & Corbin, 1998; Edwards & Brannelly, 2017). در این مرحله محقق جمع آوری داده ها از نمونه های جدید را متوقف میسازد. در همین ارتباط در این پژوهش نیز، تا زمان رسیدن به اشباع نظری، تعداد ۲۰ نفر از خبرگان، مورد مصاحبه قرار گرفتند. و برای تعیین حجم نمونه شهروندان، با توجه به زیاد بودن تعداد جامعه آماری، از جدول مورگان استفاده شد. و بر همین اساس تعداد ۱۹۶ نفر به عنوان حجم نمونه مورد نیاز پژوهش، به روش نمونه گیری احتمالی از نوع تصادفی ساده، انتخاب شدند. و در نهایت یافته ها بصورت نظریه زمینه ای ارائه شده است.

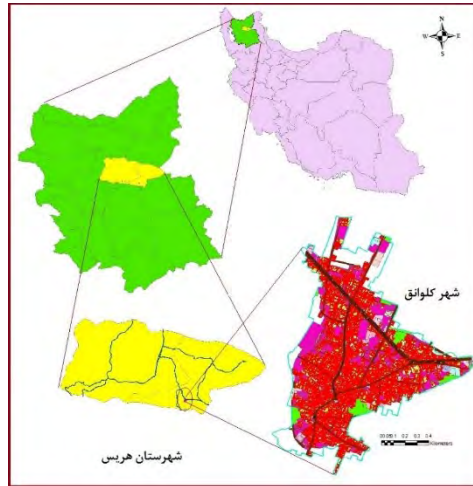
۲-۲. نظریه زمینه ای یا تئوری داده بنیاد

نظریه زمینه ای ابتدا در سال ۱۹۶۷ توسط بارنی گلاسر^۱ و آلزلم اشتراوس^۲ ابداع و در کتاب مشهور آنها تحت عنوان «کشف نظریه زمینه ای»^۳ منتشر گردید. (Hanson et al, 2011:382). آنها این روش را یکی از بنیادی ترین کشف های روش شناختی در علوم اجتماعی قلمداد کرده اند. بنیانگذاران این نظریه به انتقاد از روشهای اثبات گرایی دهه ۱۹۶۰ نظریه خود را بر مبنای رویکرد تفسیری بنا نهادند. از نظر آنها فرایند نظریه آزمایی اثباتی و نظریه سازی تفسیری از اهمیت برابری برخوردار بوده و ارتباط نزدیکی نیز باهم دارند. علاوه بر آن، این نظریه روشی برای تولید نظریه در حوزه هایی است که دستیابی به آن از طریق رویه های کمی اثباتی دشوار است. بمنظور حصول این هدف از روش نظریه زمینه ای که گونه ای از روش تحقیق کیفی است، استفاده شده است. زیرا مسئله تحقیق، مسئله ای چند وجهی، پیچیده و فرایندی است و نظریه زمینه ای می تواند روش مناسبی در درک مجموعه شرایط و عوامل موثر باشد. برخلاف تحقیق کمی، نظریه زمینه ای با نظریه موجود یا قیاسی آغاز نمی شود، بلکه هدف اولیه آن کشف نظریه از طریق تولید روشمند داده است؛ زیرا نظریه ای که از داده ها استخراج شود، بیشتر به واقعیت نزدیک است (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۳۴). نظریه زمینه ای از نظر اصول نظری بر اصول پارادایم تفسیرگرایی اجتماعی استوار است. (Glaser, 2003:54). و از لحاظ فلسفی، ریشه در نظریه های متفکرانی چون کانت، دیلتای، هوسرل، هایدگر، گادامر و دیکور و از نظر جامعه شناسی مبتنی بر اندیشه های کسانی مانند شوتر، وبر، مید، نالایم، برگر و لاگمن است. (FitzPatrick, 2019:214). پارادایم مذکور در دهه اخیر بویژه از دهه ۱۹۷۰ از اهمیت چشمگیری برخوردار شده و توانسته است با بکار گیری روش شناسی کیفی سهم عمده ای در تولید معرفت در علوم انسانی معاصر داشته باشد (محمد پور، ۱۳۹۲: ۳۱۷).

۳-۲. محدوده مورد مطالعه

شهرستان هریس (در استان آذربایجان شرقی) شامل دو بخش مرکزی و خواجه و ۵ شهر هریس، خواجه، زرنق، بخشایش و کلوانق و دارای ۹۲ آبادی دارای سکنه و ۱۲ آبادی خالی از سکنه می باشد، شهر کلوانق در بخش مرکزی و در جنوب غربی این بخش و در مختصات جغرافیایی ۴۷ درجه و ۲۲ دقیقه طول شرقی و ۳۸ درجه و ۲۴ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است. جمعیت این شهر براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ بالغ بر ۷۴۶۵ نفر می باشد. و ارتفاع آن از سطح دریاهای آزاد ۱۵۸۸ متر است. این شهر در ۵۸ کیلومتری شرق شهر تبریز قرار دارد که از طرف شرق به شهر زرنق و از سمت غرب به شهر بخشایش محدود می شود. (شکل شماره: ۱)

1. Barney Glaser
2. Anselm Strauss
3. Grounding Grounded Theory



شکل ۱. موقعیت منطقه مورد مطالعه

۴-۲. تحلیل داده ها و یافته ها

بعد از گردآوری داده های مصاحبه ای و متنی، تحلیل و کدبندی در امتداد با نمونه گیری آغاز گردید. فرآیند انجام کدبندی در نظریه زمینه ای، مبتنی بر روش مقایسه های ثابت است که در سه مرحله کدگذاری باز^۱، کدبندی محوری^۲ و کدبندی گزینشی^۳ صورت می گیرد. در هر یک از این مراحل، کد یا کدهای الصاق شده باید داده های مرتبط با خود را به سطح اشباع برسانند (استراوس و کرین، ۱۳۹۲).

کدگذاری باز به مفهوم بندی تکه هایی از داده ها تحت یک نام، عنوان یا برچسبهایی که به طور همزمان هر قطعه از داده ها را تلیخیص و تشریح می کند، اشاره دارد (Charmaz, 2006, 43). به نقل از وحیدی برجی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸) ابتدا کدهای باز بر مبنای مفاهیم اولیه استخراج شده و سپس براساس مقایسه های ثابت (شباهتها و تفاوتها)، کلیه کدها در مرحله کدبندی محوری در قالب مقوله های عمده دسته بندی شده است. که ۶ مقوله در نتیجه فرآیند کدگذاری حاصل شده است. مرحله نهایی کدبندی گزینشی، شامل تعریف مقوله هسته است. در این مرحله، مقوله های عمده در قالب یک مدل پارادایمی (مدل زمینه ای) حول مقوله هسته به یکدیگر ارتباط داده شده است. در واقع مدل ترسیم شده، به توصیف مقوله هسته و تحلیل و تبیین آن می پردازد. این فرآیند را ترکیب مقوله ها و پالایش و آراستن سازه های نظری منتج شده از آن می خوانند (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۴۰ - ۳۴۱). مقوله هسته یا همان کد گذاری گزینشی (انتخابی) در اینجا، عدم کارآمدی نهاد شورا است که تمام مقوله های دیگر به آن مرتبط هستند. نتیجه تحلیل داده ها در قالب کدبندی باز و محوری در (جدول ۱)، نتایج آزمون فریدمن برای رتبه بندی بین شاخص های پژوهش در گروه نخبگان و کارشناسان در (جدول ۲) و نتایج آزمون برای شاخصهای پژوهش در گروه نخبگان در (جدول ۳) مشخص شده است.

جدول ۱. کدگذاری باز و محوری مولفه های مطرح در زمینه ناکارآمدی نهاد شورا

نماد (نشانگر)	کد های باز (علل اولیه)	کد گذاری محوری	فراوانی	درصد
Insu1	عدم داشتن برنامه مشخص کاندیداها جهت بهبود شرایط زندگی مردم	بی اعتنائی به مردم	۱۱	۱۹/۴
Insu2	عدم تمایل و هم سوئی بین اعضای شورای شهر	مردم و سوء استفاده از مقام	۸	
Insu3	سوء استفاده از قدرت جهت رسیدن به اهداف شخصی	شورا	۱۲	
Insu4	عدم تمایل و خواست شورا جهت حضور مردم در جلسات علنی شورای شهر (عدم احترام به حقوق شهروندی)		۷	
Insu5	عدم تحصیلات دانشگاهی مرتبط با مدیریت شهری در بین اکثر اعضای شورای شهر	نداشتن سواد و تخصص در حیطه شورا	۱۴	۱۵/۹
Insu6	تضعیف مدیریت شهری به دلیل عدم آشنایی اعضای شورای شهر با قوانین و مقررات شهری (عمده توجه فقط حوزه عمرانی آنهاست آسفالت ریزی معابر که نمود بیشتری نزد شهروندان دارد)		۱۷	
Insu7	وجود مسائل حاشیه ای و سیاسی کاری در بین اعضای شورای شهر	اختلافات درون شورا	۹	۷/۷۵
Insu8	ایجاد فضای متشنج در شهر به دلیل اختلافات سیاسی اعضا با یک دیگر		۶	

¹ Open Coding.

² Axial Coding

³ Selecting Coding

علل ناکارآمدی نهاد شوراها در شهرهای کوچک اندام و.... (احدثاد و همکاران)

۳۹/۲۲	۱۸	عدم کارایی و کفایت شورا	عملیاتی نشدن شعارهای تبلیغاتی اعضای شورا به دلیل عدم درک صحیح از حدود و اختیارات خود قبل از انتخابات	Insu9
	۵		پایین بودن فرهنگ سیاسی مردم در انتخاب صحیح فرد لایق جهت عضویت در شورای شهر	Insu10
	۴		عدم اجرای صحیح قوانین به دلیل وجود رابطه احساسی بین اعضای شورا و مردم و توقع اعضای شورا در جهت رفع مشکلات	Insu11
	۱۲		عدم دید کلی به مسائل شهر و اولویت قرار دادن مسائل قوم و محله خود از طرف اعضای شورای شهر	Insu12
	۱۱		شوراها فقط پول مردم را می خواهند و تصمیم ندارد مشکلی از مشکلات مردم را حل کنند	Insu13
	۸		ملت همواره فکر می کنند هر فرد به مقامی می رسد فقط به فکر خود و اطرافیانش هست	Insu14
	۶		می توان گفت اکثر طرح ها و مصوبات شورا اصلا تاثیری در زندگی شهروندان ندارد	Insu15
	۱۳		میزان آگاهی اعضای شورای شهر نسبت به امور شهری زیاد نیست ، نمی توانند نظارت دقیقی بر روی عملکرد مدیران شهری داشته باشند و مردم این موضوع را از ناکارآمدی شورای شهر می بینند	Insu16
۹/۸۶	۸	عدم رعایت شایسته سالاری	عدم رعایت شایسته سالاری در کشور است. که متاسفانه در قالب پارتی بازی در حکومت خودش را نشان می دهد	Insu17
	۱۱		زمانی که افراد ناشایسته بجایی می رسند باعث می شود که بعلت نداشتن شخصیت آکادمیک و سواد کافی در بهبود مدیریت شهری موفق نباشند	Insu18
۷/۸۷	۲	عدم سنخیت مقام شورا با تخصص	متاسفانه فرهنگ راه بینداز جایباندازدر کشور ما بسیار رواج دارد . در قانون اساسی ماموریت ها و وظایفی برای شوراها مشخص شده که سنخیت چندانی با واقعیت ندارد.	Insu19
	۱۳		پیروزی در انتخابات به دلیل حمایت های سیاسی و قومیتی و محلی و نه بر اساس قابلیت های مدیریتی و اجرایی	Insu20

منبع: معصومی (۱۳۸۲)؛ نیک شیجانی و همکاران(۱۳۹۵)؛ عدالت نمین و همکاران(۱۳۹۲)؛ حمیدی و همکاران(۱۳۹۲)؛ احمدی پور(۱۳۸۹)؛

مهدوی و همکاران(۱۳۹۲)؛ ضحیمی و همکاران(۱۴۰۰)؛ امامی و ابراهیمی(۱۳۹۷)

جدول ۲. نتایج آزمون فریدمن برای رتبه بندی بین شاخص های پژوهش در گروه نخبگان و کارشناسان

نماد (نشانگر)	کد های باز(علل اولیه)	درجه اهمیت	میانگین رتبه
Insu1	عدم داشتن برنامه مشخص کاندیداها جهت بهبود شرایط زندگی مردم	۱۵	۹/۶۴
Insu2	عدم تمایل و هم سوئی بین اعضای شورای شهر	۲۰	۶/۸۸
Insu3	سوء استفاده از قدرت جهت رسیدن به اهداف شخصی	۵	۱۳/۵۰
Insu4	عدم تمایل و خواست شورا جهت حضور مردم در جلسات علنی شورای شهر(عدم احترام به حقوق شهروندی)	۱۹	۷/۴۸
Insu5	عدم تحصیلات دانشگاهی مرتبط با مدیریت شهری در بین اکثر اعضای شورای شهر	۴	۱۴/۱۲
Insu6	تضعیف مدیریت شهری به دلیل عدم آشنایی اعضای شورای شهر با قوانین و مقررات شهری(عمده توجه فقط حوزه عمرانی آنهاست آسفالت ریزی معابر که نمود بیشتری نزد شهروندان دارد)	۲	۱۷/۴۲
Insu7	وجود مسائل حاشیه ای و سیاسی کاری در بین اعضای شورای شهر	۱۸	۷/۹۹
Insu8	ایجاد فضای متشنج در شهر به دلیل اختلافات سیاسی اعضاء با یک دیگر	۱۷	۸/۱۲
Insu9	عملیاتی نشدن شعارهای تبلیغاتی اعضای شورا به دلیل عدم درک صحیح از حدود و اختیارات خود قبل از انتخابات	۸	۱۱/۲۲
Insu10	پایین بودن فرهنگ سیاسی مردم در انتخاب صحیح فرد لایق جهت عضویت در شورای شهر	۱۶	۸/۳۱
Insu11	عدم اجرای صحیح قوانین به دلیل وجود رابطه احساسی بین اعضای شورا و مردم و توقع اعضای شورا در جهت رفع مشکلات	۱۳	۹/۸۵
Insu12	عدم دید کلی به مسائل شهر و اولویت قرار دادن مسائل قوم و محله خود از طرف اعضای شورای شهر	۷	۱۱/۹۸
Insu13	شوراها فقط پول مردم را می خواهند و تصمیم ندارد مشکلی از مشکلات مردم را حل کنند	۱۲	۱۰/۲۱
Insu14	ملت همواره فکر می کنند هر فرد به مقامی می رسد فقط به فکر خود و اطرافیانش هست	۱۱	۱۰/۴۲
Insu15	می توان گفت اکثر طرح ها و مصوبات شورا اصلا تاثیری در زندگی شهروندان ندارد	۱۰	۱۰/۸۸

۱۲/۱۵	۶	میزان آگاهی اعضای شورای شهر نسبت به امور شهری زیاد نیست، نمی‌توانند نظارت دقیقی بر روی عملکرد مدیران شهری داشته باشند و مردم این موضوع را از ناکارآمدی شورای شهر می‌بینند	Insu16
۹/۰۲	۱۴	عدم رعایت شایسته‌سالاری در کشور است. که متأسفانه در قالب پارتنری بازی در حکومت خودش را نشان می‌دهد	Insu17
۱۰/۹۹	۹	زمانی که افراد ناشایسته بجایی می‌رسند باعث می‌شود که بعلت نداشتن شخصیت آکادمیک و سواد کافی در بهبود مدیریت شهری موفق نباشند	Insu18
۱۵/۲۴	۳	متأسفانه فرهنگ راه بینداز جایبنداز در کشور ما بسیار رواج دارد. در قانون اساسی ماموریت‌ها و وظایفی برای شوراها مشخص شده که سنخیت چندانی با واقعیت ندارد.	Insu19
۱۸/۴۵	۱	پیروزی در انتخابات به دلیل حمایت‌های سیاسی و قومیتی و محلی و نه بر اساس قابلیت‌های مدیریتی و اجرایی	Insu20

یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

جدول ۳. نتایج آزمون برای شاخصهای پژوهش در گروه نخبگان

۲۰	تعداد
۶۹۲/۸۷۴	مقدار کیدو
۴	درجه آزادی
۰/۰۰۱	سطح معنی داری

یافته‌های تحقیق (۱۴۰۲)

با توجه به اینکه میزان سطح معناداری بدست آمده از آزمون فریدمن (۰/۰۰۱) کوچکتر از ۰/۰۵ بدست آمد، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان رتبه بندی بین شاخصهای پژوهشی در جداول بالا را از نظر آماری معنی دار دانست.

۳. یافته‌های پژوهش

انتخابات اعضای شورای شهرخصوصاً در شهرهای کوچک تحت تاثیر برخی جناح‌های روابط فردی، قومی و خانوادگی قرار دارد. بنابراین افراد متخصص در زمینه امور شهری کمتر فرصت حضور در این نهاد مردمی را دارند. حضور تعداد بالای افراد شرکت کننده به عنوان کاندیدا از متخصص و غیر متخصص، از بازیگر و ورزشکار و... سبب می‌شود انتخابات از محور اصلی خود که باید انتخاب افراد شایسته در این عرصه باشد، خارج شود و رای دادن بر اساس روابط فردی، گروهی، قومی، زبانی، فامیلی و محلی است. وجود چنین گرایشی در افراد، موجب می‌شود که صاحبان دانش، تخصص و مهارت، از حضور در شورا بازمانده و میدان برای افراد ضعیف تری که صرفاً از روابط گسترده تری بهره مند هستند، باز شود

نتایج تحلیل داده‌ها در این تحقیق نشان داد که علل و ریشه‌های شکل‌گیری ناکارآمدی نسبت به خط مشی‌های شورای اسلامی شهر کلوانق را میتوان در شش مضمون سازنده تقسیم بندی نمود. این شش مضمون شامل، عوامل مربوط به شورا -عوامل روانشناختی- عوامل فرهنگی، اجتماعی- عوامل جمعیت‌شناختی- عوامل اقتصادی و عوامل مدیریتی می‌باشد. عوامل مربوط به شورا را میتوان در شاخصهایی همانند عدم اطلاع‌رسانی صحیح به شهروندان، عدم تأثیرگذاری طرحها و مصوبات شورای شهر در زندگی شهروندان، عدم شناخت و بی‌توجهی به نیازها و خواسته‌های شهروندان و مسائل شهری، عدم نظارت دقیق بر اجرای طرحهای پیشین و نیمه کاره ماندن آنها یاد کرد. عوامل روانشناختی شهروندان را در عواملی همچون تزویر حاکم شده بر کشور، بی‌اعتمادی شهروندان نسبت به عملکرد شورا، نارضایتی شهروندان نسبت به عملکرد شورا، عدم اطمینان شهروندان به اثربخشی نظراتشان نشان داد. عوامل فرهنگی، اجتماعی مرتبط با ناکارآمدی را میتوان در شاخصهایی همچون عدم وجود آموزش در جهت افزایش آگاهی شهروندان، عدم وجود نظم و ضوابط در جامعه، کم‌رنگ بودن فرهنگ مشارکت در میان شهروندان نشان داد. عوامل جمعیت‌شناختی مرتبط رامی‌توان در دانش کم اکثریت شهروندان نسبت به پیچیدگی و اهمیت مسائل شهری و کمبود نیروی جوان در ساختار مدیریت شهری خلاصه نمود. عوامل اقتصادی را می‌توان در عدم تطابق کیفیت خدمات شهری با عوارض دریافتی از شهروندان بیان نمود. سرانجام میتوان مضمون مدیریتی را در فقدان مدیریت جامع مشارکت محور، فقدان مدیریت یکپارچه در اجرای طرحها، روی کار آمدن افراد ناکارآمد در مناصب مدیریتی و عدم نظارت دقیق و مدیریت موفق شورا در دوره‌های پیشین بیان نمود که با تحقیقات ضخیمی و همکاران، (۱۴۰۰)؛ شاه‌ویردی و شکر گزار، (۱۳۹۳)؛ ولایی‌گرگری و همکاران، (۱۳۹۵) و (میکاییلی‌نمینی و همکاران، ۱۳۹۲) هماهنگ و همسو می‌باشد.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

نتیجه ای که از تمامی مصاحبه ها و بررسی اسناد قانونی در زمینه ناکارآمدی نهاد شورا به دست آمد، گویای این مطلب بودند، که برای اجتناب از چالش های موجود بهترین روش این است که در انتخاب اعضاء شورا، فارغ از تعلق سیاسی آنان و جنسیتشان، صرفا به کارنامه اجرایی و نوع تخصص آنان با توجه به نیازهای مدیریتی، اجتماعی و فرهنگی شهر، دقت و تامل شود

در این تحقیق نیز در پاسخ به مهمترین ضعف شورای شهر کلوانق، اولویت اول از دید شهروندان، مقوله عدم کارایی و کفایت شورا که شامل عملیاتی نشدن شعارهای تبلیغاتی اعضای شورا به دلیل عدم درک صحیح از حدود و اختیارات خود قبل از انتخابات، پایین بودن فرهنگ سیاسی مردم در انتخاب صحیح فرد لایق جهت عضویت در شورای شهر، عدم اجرای صحیح قوانین به دلیل وجود رابطه احساسی بین اعضای شورا و مردم و توقع اعضای شورا در جهت رفع مشکلات، عدم دید کلی به مسائل شهر و اولویت قرار دادن مسائل قوم و محله خود از طرف اعضای شورای شهر که می توان گفت اکثر طرح ها و مصوبات شورا اصلا تاثیری در زندگی شهروندان ندارد؛ که با مصاحبه نیمه ساختار یافته دیدگاه کارشناسان که اولویت اول را در ضعف شورای شهر کلوانق، پیروزی شورا در انتخابات به دلیل حمایت های سیاسی و قومیتی و محلی و نه بر اساس قابلیت های مدیریتی و اجرایی، تضعیف مدیریت شهری به دلیل عدم آشنایی اعضای شورای شهر با قوانین و مقررات شهری (عمده توجه فقط حوزه عمرانی آنها) آسفالت ریزی معابر که نمود بیشتری نزد شهروندان دارد (دانسته اند، تقریبا هم جهت و همسو می باشد. یکی دیگر از یافته های قابل توجه این تحقیق آن بود که در هیچ یک از دوره های انتخابی شورا در شهر کلوانق هیچ کدام از اعضای شورا بر لزوم همکاری و حضور مردم در شورا در قالب کمیسیون های شورا اجماع نداشتند و لزومی برای حضور مردم در جلسات شورا و همکاری با آن نمی دیدند که این خود یکی از نقاط ضعف شورای شهر کلوانق می باشد که گرچه خود هیچ گونه تخصصی در زمینه مدیریت شهری نداشتند ولی با این حال مخالف مشارکت قشر تحصیلکرد و متخصص در امور شهری در جلسات خود بودند.

لذا پیشنهاد می شود با ایجاد زمینه مطلوب جهت ارتباط مناسب مردم با اعضای شورا در جهت حل مشکلات آنها. پرهیز از سیاست بازی جهت جلب مشارکت مردمی. برنامه ریزی دقیق و پیگیر شورا در حل بحران ها و پدیده های شهری. شناخت نقاط قوت و ضعف شهر و تمرکز بر آن جهت تقویت نکات مثبت و تضعیف ناهنجاری های شهری و با آموزش برخی دانش ها، نگرش ها و مهارت های خاص به اعضای شورای شهر و استفاده از مشارکت افراد تحصیلکرده و متخصص در امور شهری می توان عملکرد شورا را افزایش داد.

۵. منابع

۱. احمدی پور، زهرا (۱۳۸۹)، **آسیب شناسی دولت محلی (مطالعه موردی: شوراهای اسلامی کلان شهرهای ایران)**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تربیت مدرس.
۲. استراوس، انسلم و کرین، کرین (۱۳۹۲)، **مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل تولید نظریه زمین های)**، ترجمه: ابراهیم افشار، نشر نی، تهران
۳. اکبریان، احمد (۱۳۹۲)، **مفهوم مشارکت در توسعه شهری**، اولین همایش توسعه شهری و پایداری اجتماعات محلی. شهرداری امامی، کاظم: ابراهیمی، مهدی (۱۳۹۷)، **تحلیلی بر عملکرد شوراهای اسلامی شهرها و تاثیر آن بر برنامه ریزی شهری مورد مطالعه: شهر زرین شهر**، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، موسسه آموزش عالی دانش پژوهان پیشرو
۴. ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۶)، **حکمرانی شهری، نگاهی نو به اداره امور شهرها**، ماهنامه اطلاع رسانی آموزشی و پژوهشی شهرها، شماره یازدهم.
۵. ایمانی جاجرمی، حسین؛ بیدگلی، مهرناز؛ حناچی، سیمین (۱۳۸۱)، **مدیریت شهری پایدار (بررسی تجارب مشارکتی شهرداری ها و شوراهای اسلامی شهرها)**، تهران، انتشارات سازمان شهرداری ها، ص ۱۶
۶. ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۱)، **آشنایی با شوراهای اسلامی شهر**، معاونت آموزشی پژوهشکده مدیریت شهری و روستایی، وزارت کشور، انتشارات شهرداری ها و دهیاری های کشور
۷. حسینی، هادی، قدرتی، حسین، میره، محمد و یعقوب زنگنه (۱۳۹۲)، **پایداری شهری بر بنیان توسعه مشارکت شهروندی (مطالعه موردی: شهر سبزواری)**، جغرافیا و پایداری محیط، شماره ۶
۸. حمیدی، خدیجه، اکبرزاده، مینا (۱۳۹۲)، **ارزیابی عملکرد شهرداری ها و شوراهای اسلامی در مسیر توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: شهر سبزواری)**، اولین همایش ملی جغرافیا، شهر سازی و توسعه پایدار، انجمن محیط زیست کومش
۹. سالاری، محمد؛ صفوی، مریم (۱۳۹۶)، **نقش نهاد شورای اسلامی شهر در اعتدالی حقوق شهروندی (مورد مطالعه: شورای اسلامی شهر تهران)**، فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری، ۵ صص ۱۱۳-۱۳۱
۱۰. سلیمانی، مسلم (۱۳۹۵) **مدیریت شهری در ایران با تأکید بر شورای شهر**، زیاری، کرامت اله، پایان نامه کارشناسی دانشگاه یزد، گروه جغرافیا
۱۱. شاکری، حمید؛ فدایی، علیاصغر (۱۳۹۳) **تأملی بر شورای شهر، شهرداری و مراجع حل اختلاف شهری در نظام حقوقی ایران**، کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار، تهران
۱۲. شاه ویردی، شمله؛ شکر گزار، اصغر (۱۳۹۳)، **ارزیابی عملکرد شورای شهر در مدیریت شهری مطالعه موردی: شهر سقز**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان
۱۳. شربتی، اکبر (۱۳۹۵)، **میزان مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی: شهر گنبد)**، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۴۱، صص: ۱۸۳-۱۶۱
۱۴. شیعه، اسماعیل (۱۳۸۳)، **با شهر و منطقه در ایران**، چاپ سوم، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران
۱۵. سازمان شهرداری ها (۱۳۸۷)، **نقش شوراهای اسلامی در گسترش مشارکت شهری**، تهران، انتشارات شهرداری ها، وزارت کشور.
۱۶. صالحی امیری، نگارنده، جواد؛ شریفی، سعید (۱۳۸۷)، **شوراهای، چالشها و کارکردها، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام**، گروه پژوهشهای فرهنگی و اجتماعی، تهران
۱۷. ضحیمی، نیلوفر، فرجی، جلال الدین؛ کاظمیان، غلامرضا (۱۴۰۰)، **واکاوی بی تفاوتی اجتماعی شهروندان نسبت به خط مشی های شورای اسلامی شهر تهران**، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت، گرایش مدیریت شهری، دانشکده حسابداری و مدیریت، دانشگاه علامه طباطبائی
۱۸. عباس زاده، شهاب (۱۳۹۰)، **آنچه شورای اسلامی شهر باید بداند**، انتشارات سازمان شهرداری ها و دهیاریهای کشور. تهران
۱۹. عدالت نمین، دل آرام؛ سیاف زاده، علیرضا؛ کشاورز، مهناز (۱۳۹۳)، **مدیریت واحد شهری و تاثیر آن در اداره ی شهرها**، مورد مطالعه: کلانشهر تهران، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، مهر ۱۳۹۳
۲۰. عزیز، محمد مهدی (۱۳۸۰)، **توسعه شهری پایدار، برداشت و تحلیلی از دیدگاههای جهانی**، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی. سال یازدهم. شماره ۳۳
۲۱. علوی تبار، علیرضا (۱۳۸۲)، **بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها**، جلد اول، تهران: انتشارات سازمان شهرداری ها ی کشور ص ۳۲
۲۲. معصومی، فاطمه (۱۳۸۲)، **بررسی عوامل مؤثر بر گرایش شهروندان به مشارکت اجتماعی در شورای اسلامی شهر داراب**، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز
۲۳. محمدپور، احمد (۱۳۹۲) **روش تحقیق کیفی، ضد روش، منطق و طرح در روش شناسی کیفی**، ج ۱. تهران: جامعه شناسان.
۲۴. مهدی پور، آسیه؛ مهدی پور، احمد (۱۴۰۱)، **بررسی میزان رضایتمندی روستائیان از عملکرد دهیاری و شورای اسلامی روستا (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان دره شهر)**، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال چهاردهم / شماره سوم / تابستان ۱۴۰۱

۲۷. مهدوی، شهرام، نجفی کانی، اکبر؛ مسیبی، سمانه (۱۳۹۲)، **بررسی و تحلیل میزان رضایتمندی شهروندان از عملکرد شهرداری و شورای شهر (نمونه موردی: کاشان)**، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. شماره ۳
۲۸. میکاییلی نمینی، سارا؛ لطیفی، غلامرضا؛ سام آرام، عزت الله (۱۳۹۲)، **آسیب شناسی مدل اداره امور شهر در ایران (با تاکید بر شهر تهران)**، کارشناسی ارشد برنامه ریزی رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی
۲۹. ناصری، فاطمه (۱۳۹۱)، **بررسی راههای جلب مشارکت مردمی در توسعه پایدار**، چاپ اول، تهران، وزارت راه و شهرسازی.
۳۰. نیک شیجانی، حسین، نوبخت حقیقی، شهاب؛ قنبری، حسین (۱۳۹۵)، **تحلیلی بر جایگاه مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهر رشت**، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور رشت
۳۱. وحیدی برجی، گلдіس؛ نوریان، فرشاد، عزیز، محمد مهدی (۱۳۹۶)، **شناسایی علل عدم تحقق کاربریهای پیشنهادی در طرح های توسعه شهری ایران با استفاده از نظریه زمینه ای**، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی دوره ۲۲ شماره ۱، بهار ۱۳۹۶
۳۲. ولایی گرگری، مهدی؛ بابایی اقدم، فریدون؛ جعفری، فیروز (۱۳۹۵)، **ارزیابی عملکرد شوراهای شهر بر اثر بخشی مدیریت شهری مطالعه موردی: شورای اسلامی شهر هادی شهر**، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تبریز
33. Aspers, P. & Corte, U (2019). "What is Qualitative in Qualitative Research". *Qualitative Sociology*, 42(2), pp. 139-160.
34. Bilgili, A (2022). Yerel Demokrasi Açısından Kent Konseyleri Üzerine Bir Araştırma: *Kepez Kent Konseyi Örneği*. Çanakkale Onsekiz Mart Üniversitesi. August 2022 <https://www.researchgate.net/publication/362624224>
35. ÇELİK, A (2013). KENT YÖNETİMİ BAĞLAMINDA KENT KONSEYİNİN İŞLEVLERİ ÜZERİNE BİR DEĞERLENDİRME, C.Ü. *İktisadi ve İdari Bilimler Dergisi*, Cilt 14, Sayı 2, 2013, 215-229
36. Domaradzka, A. (2018). "Urban Social Movements and the Right to the City: An Introduction to the Special Issue on Urban Mobilization", *Voluntas: International Journal of Voluntary and Non Profit Organizations*, 29, 607- 620.
37. Edwards, R. & Brannelly, T. (2017). "Approaches to Democratising Qualitative Research Methods". *Qualitative Research*, 17(3), pp. 271-277.
38. FitzPatrick, B. (2019). "Validity in Qualitative Health Education Research". *Currents in Pharmacy Teaching and Learning*, 11(2), pp. 211-217.
39. Glaser, B.G (2003). *The Grounded Theory perspective II: Description, s Remodling of Grounded Theory Methodology*. Mill valley, CA: sociology perss.
40. Hall, peter (1990), *Cities of Tomorrow*, An intellectual History of urban planning. Fourth edition.
41. Hanson, J. L., Balmer, D. F. and Giardino, A. P. (2011). "Qualitative Research Methods for Medical Educators". *Academic Pediatrics*, 11(5), pp. 375-386.
42. İtibar, A & Yılmaz, H (2018). Yerel Yönetimlerde Katılımcılık: Kent Konseylerinin Rolü ve Bir Yapılandırma Önerisi - The Role of City Councils and a Proposal for Restructuring. *Çağdaş Yerel Yönetimler Dergisi*, Cilt 27, Sayı 1, Ocak 2018, s. 113-145. <https://www.researchgate.net/publication/323175663>
43. Karasu, M. A, Çelik, M. L, Altıparmak, C (2018). *100 Soruda Kent Konseyi*, 1. Baskı, Seçkin, Ankara.
44. Randhawa, A, & Kumar, A. (2017). Exploring sustainability of smart development initiatives in India. *International Journal of Sustainable Built Environment*, Vol.6, No.2, Pp. 701-710. <https://doi.org/10.1016/j.ijsbe.2017.08.002>
45. Strauss, A. & Corbin, j (1998). *Basics of Qualitative Research Techninues and procdures for Developing Grounded theory*. (2nded.).
46. Şahyar Akdemir, D. (2020). "Kentli Hakları ve Kent Konseyleri " *Pamukkale Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi*, sayı 40, Denizli, s. 149-167.